

فرصت‌ها و چالش‌های

حديثة ریحعی

مدیرمركز مطالعات پارلمانی دانشکده حکمرانی شریف

به اذعان بسیاری از کارشناسان و فعالان سیاسی، محمد مخبر، معاون اول دولت سیزدهم در دوران مسئولیت خود در آن دولت عملکرد قابل قبولی داشت. عملکرد مطلوب او به‌ویژه پس از شهادت رئیس‌جمهور و انتصاب وی به‌عنوان سرپرست قوه مجریه- براساس قانون و با حکم رهبر معظم انقلاب- بیش ازپیش آشکار شد. وی در این نقش جدید توانست به نجوم شایسته و به‌دوراز حواشی سیاسی و انتخاباتی، وظایف خود را انجام دهد. به‌گونه‌ای که هم دوستان و هم منتقدان دولت از عملکرداو، به‌ویژه در برگزاری چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری ابراز رضایت کردند.

اکنون با حکم ویژه رهبری، مسئولیت و مأموریت خطیر مشاوره و دستیاری رهبر انقلاب در امر امتداد سیاست‌های مدرانه دولت شهید رئیس‌ی برای شناسایی و به‌کارگیری نیروهای جوان و نخبه جهت کمک به دستگاه‌های مختلف به محمد مخبر سپرده شده است؛ مأموریتی نو در عرصه حکمرانی کشور که با عنایت به ساختارها و فرهنگ سیاسی رایج، در عین وجود ویژگی‌های مثبت، با چالش هاو سختی‌های بسیاری همراه است. براین‌اساس متن تحلیلی حاضر در تلاش است به بررسی این کارویژه نوظهور در نظام جمهوری اسلامی ایران نگاهی بیندازد و نسبت آن را با امر حکمرانی حزبی، تربیت سیاسی و شایسته‌سالاری بررسی کند.

□ □ □

سه‌گانه مدیریت وسازوکارهای تربیت مدیران

در ساختار حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، سه دسته از مدیران قابل شناسایی‌اند؛مدیران حاکمیتی که به‌عنوان معماران وناظرانراهبردی بر ثبات نظام تکیه دارند؛مدیران سیاسی که باگذرگویی‌های انتخاباتی و تحولات سیاسی همراه‌اند و مدیران اداری – حرفه‌ای که با بهره‌گیری از مهارت‌های تخصصی، جریان اجرایی امور را پایدار و کارآمد نگه می‌دارند.

در نظام‌های سیاسی مختلف، به‌طور معمول سازوکارهای منسجمی جهت شناسایی و تربیت افراد برای هریک از این جایگاه‌های مدیریتی و سیاسی وجود دارد. این سازوکارها باهدف آماده‌سازی نیروهای متخصص و کارآمد، از طریق نهاد‌های حزبی، مراکز آموزشی یا ساختارهای دولتی شکل‌گرفته‌اند و می‌رشدو پیشرفت‌مدیران رابرای تصدی پست‌های کلیدی هموار می‌کنند. براین‌نمونه در بسیاری از نظام‌های مردم‌سالار، تربیت و به‌کارگیری نیروها برای تصدی پست‌های سیاسی عمدتاً از طریق نهاد‌های حزبی انجام می‌شود. این احزاب- به‌عنوان واسطه‌ای میان مردم و دولت- مأموریت دارند افراد بااستعداد را شناسایی و به‌گونه‌ای تربیت کنند که بتوانند در آینده به‌عنوان مدیران و کارگزاران در سطح مدیریت سیاسی ایفای نقش کنند، بنابراین در این نظام‌ها احزاب سیاسی، رکن اساسی در تربیت و به‌کارگیری مدیران و حکمرانان در لایه مدیریت سیاسی به‌شمار می‌روند و از طریق فرایند‌های جذب، پرورش، به‌کارگیری و حذف نیروها، نه‌تنها به ایجاد کادری پایدار و مستحکم از نخبگان سیاسی کمک می‌کنند، بلکه به جلوگیری از بحران‌های مدیریتی نیز می‌پردازند. همچنین در پرورش و تربیت نیروهای اداری و متخصص (فعال در لایه دیوان‌سالار)، ساختارهایی ازجمله دانشکده‌های مدیریت، نهاد‌های آموزشی مرتبط با وزارتخانه‌های تخصصی و… نقشی مؤثر و فعال دارند. این ساختارها در خصوص لایه مدیران اداری – حرفه‌ای در ایران نیز وجود دارند. برای مثال دانشکده‌های مرتبط با وزارت نفت، نیرو و آموزش وپرورش به تربیت متخصصان حوزه خود اقدام می‌کنند و پس از تکمیل تحصیل فرد در این دانشکده‌ها وی را در سازمان خود جذب می‌کنند. بااین‌حال به دلیل ضعف ساختاری و عملکردی احزاب سیاسی ایران در این زمینه، خلأشده در تربیت نیروهای جوان شایسته، به‌ویژه برای تصدی صندلی مدیریت سیاسی و حاکمیتی در کشور به وجود آمده است. وضعیتی که سبب شده مدیران در لایه‌های مذکور نتوانند کارآمدی مورد انتظار را داشته و بعضاً نظام حکمرانی کشور را با هزینه بالا و اشتباه‌های متعدد اداره کنند. ازاین‌رو ایراخ حکم رهبر معظم انقلاب برای آقای مخبر و سپردن مأموریت شناسایی و به‌کارگیری نیروهای جوان توسط ایشان که سابقه حضور و نقش آفرینی در صندلی مدیریت حاکمیتی ستاد اجرایی فرمان امام (ره) و

صندلی مدیریت سیاسی – معاون اول دولت سیزدهم – را در کارنامه خود دارند، فرصتی است ارزشمند که می‌توانند تا حدودی خلأهای موجود در عرصه تربیت نیرو و مدیران را جبران کند. به‌زعم نویسنده باتوجه‌به سابقه فعالیت و تجارب آقای مخبر و همچنین ساختارهای موجود برای تربیت و پرورش نیروهای اداری – حرفه‌ای در قالب دانشکده‌های مدیریت و نهاد‌های آموزشی متصل به وزارتخانه‌های تخصصی، مطلوب است تمرکز اصلی ایشان بر پرورش مدیران سیاسی و در مقام بعد مدیران و کارگزاران حاکمیتی معطوف باشد. بر این‌مبنا این‌یادداشت با عطف توجه به این دو سطح مدیریت، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه را شناسایی کرده و راهکارهایی را برای اجرای هرچه بهتر این مسئولیت پیشنهاد می‌کند.

تربیت مدیران وکارگزاران خارج ازسازوکارهای حزبی

یکی از مشکلات و چالش‌هایی که از آغاز حیات جمهوری اسلامی ایران همواره گریبان‌گیر نظام حکمرانی کشور و فضای سیاسی شده، تقابل و تعارضات میان جریان‌های سیاسی حاکم و غیر حاکم با نظام حاکمیت کشور بوده است. تقابلی که بعضاً و در برهه‌های زمانی مختلف، بخش قابل‌توجهی از انرژی و منابع کشور را به‌جای ارتقای امر حکمرانی، صرف نزاع‌ها و کشمکش‌های مداوم ساخته است. براین‌اساس تضادها و تقابل‌های سیاسی که عمدتاً ریشه در عدم تعریف صحیح تعامل میان حاکمیت و جریان‌ها و احزاب سیاسی دارند، به مانعی در مسیر پیشبرد امور کشور تبدیل شده‌اند. نتیجه آنکه بسیاری از جریان‌های سیاسی، به‌جای ایفای نقش سازنده در نظام حکمرانی، به دلیل نبود سازوکارهای همکاری مناسب در تقابل با نهاد‌های حاکمیتی بوده‌اند و بعضاً خود را موجودیتی جدا و حتی در مقابل بدنه حاکمیت تعریف کرده‌اند.

از سوی دیگر، عدم نهادینگی و ضعف احزاب در اعمال یکی از کارویژه‌های اصلی خود، یعنی تربیت مدیران و کارگزارانی کارآمد برای کشور سبب شده نیاز به سازوکارهای جایگزین در این حوزه بیشتر احساس شود و ورود نهادهایی با مأموریت‌های نظامی، فرهنگی و حتی اقتصادی به عرصه پرورش نیروی سیاسی در کشور را شاهد باشیم. سازوکارها و نهادهایی که توانایی ارتباط‌گیری و تعامل بهتری با حاکمیت مستقر در کشور را دارند، اما درعین حال به سبب عدم انطباق مأموریت‌های اصلی شان با کارویژه تربیت و پرورش مدیران سیاسی نتوانسته‌اند اثرگذارگی و خروجی مطلوبی در این عرصه داشته باشند و چالش‌های متعددی را برای نظام سیاسی و حکمرانی کشور ایجاد کرده‌اند. به‌این‌ترتیب باانتصاب آقای مخبر به مقام دستیار و مشاوره به رهبر معظم انقلاب در امر شناسایی و به‌کارگیری نیروهای جوان و نخبه جهت کمک به دستگاه‌های مختلف نه‌تنها پاسخی به چالش‌های پیش روی نظام سیاسی و اداره کشور است، بلکه بستری برای احیای نظام حکمرانی خارج از قالب‌های سنتی حزبی و جناحی فراهم می‌آورد.

فرصت‌ها وچالش‌ها

همان‌طور که گفته شد در نظام موجود کشور در شرایط کثرت اعداد و قلت آثار احزاب سیاسی، این کارویژه به شیوه‌ای کارآمد صورت نگرفته و ضعف و ناکارآمدی مدیران در دولت‌های مختلف خود دلیلی بر اثبات این مدعی است، لذا طبیعی است که یکی از پاسخ‌های کوتاه‌مدت به مسئله عدم وجود احزاب و نهادی کارآمد در تربیت مدیران سیاسی و حاکمیتی با ویژگی‌های مطلوب، ایجاد فرایندی بومی و مستقل برای شناسایی و تربیت نیروهای آینده کشور باشد. این رویکرد نشان‌دهند درک اهمیت راهبردی تربیت سیاسی در ساختار حکمرانی ایران و تلاش برای مدیریت چالش‌های پیش روی نظام مدیریتی کشور و بازنویسد نیروی کارآمد در این حوزه است. درنتیجه این اقدام، به‌عنوان یکی از راهبردهای مهم نظام جمهوری اسلامی برای جوان‌سازی ساختار حکمرانی و ارتقای کارآمدی آن قابل توجه است، اما دراین خصوص فرصت‌ها و چالش‌هایی وجود دارد که نیازمند توجه ویژه است.

ایجاد مسیری مستقل برای تربیت نیروی سیاسی، فرصت‌های متعددی را فراهم می‌کند. این مسیر می‌تواند موجب تمرکز برنخبه‌پروری و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های فکری و مدیریتی کشور شود. با شناسایی و تربیت نخبگان جوان، نظام سیاسی می‌تواند از توان مدیریتی بیشتری برخوردار شود و نیروی مدیره‌ای برای ارتقای کارآمدی، حرفه‌ای‌تر کردن امر سیاست و توسعه

مأموریت ویژه مخبر

ملی فراهم آورد. این مسیر همچنین امکان کاهش وابستگی به احزاب را ایجاد می‌کند که در ایران به دلیل ضعف‌های ساختاری و جناح‌بندی‌های شدید اغلب کارکرد مطلوبی ندارند. همچنین با حرکت به‌سوی شایسته‌سالاری و تقویت مبانی انقلاب اسلامی در این فرایند می‌توان نیروهایی تربیت کرد که با ارزش‌های اساسی نظام حاکمیت در کشور همسو باشند و مفروض است که در این وضعیت شاهد انسجام بیشتر در سطح مدیریتی و سیاسی کشور باشیم. بااین‌حال چالش‌های متعددی نیز در این فرایند وجود دارد؛ یکی از مهم‌ترین آنها مسئله شناسایی نخبگان واقعی است؛ عدم شفافیت در معیارهای شناسایی و احتمال بروز تبعیض یا رانت، می‌تواند موجب ورود افراد نالایق به این مسیر شود و درنهایت به ناکارآمدی کل فرایند مدنظر منجر شود. علاوه بر این، مقاومت از سوی برخی نهاد‌های موجود که ممکن است از ورود افراد جدید و خارج از دایره نفوذ آنها ناخشنود باشند، چالشی جدی در برابر اجرای موفقیت‌آمیز این طرح است، همچنین خطر کاهش تنوع فکری و سیاسی در صورت تمرکز بیش از حد بر معیارهای ایدئولوژیک است؛ چنین رویکردی می‌تواند پویایی سیاسی و اجتماعی را تضعیف کند و درنهایت به تک‌صدایی منجر شود. کنترل متمرکز بر این فرایند نیز ممکن است باعث نگرانی‌هایی در خصوص تمرکز بیش از حد قدرت و محدود شدن فرصت‌های سیاسی و اجتماعی شود که به نوبه خود تنوع و پویایی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. دیگر چالش مهم آنکه آموزش و تجربه کافی برای نخبگان شناسایی‌شده ضروری است و در صورت نبود یک برنامه جامع در خصوص شایستگی‌های موردنیاز افراد متصدی صندلی‌های مدیریت سیاسی و حاکمیتی و مشخص نکردن کارویژه‌های اصلی آقای مخبر در این مسیر، فرایند تربیت نیروی سیاسی به شکلی سطحی و ناکارآمد انجام خواهد شد.

چالش شاخص‌های شایستگی مدیران

درسطوح سیاسی و حاکمیتی

بنا بر چالش‌شناسایی‌شده در خصوص معیارهای انتخاب و تربیت افراد، ایجاد مسیری مستقل برای تربیت نیروی سیاسی در جمهوری اسلامی، هم‌زمان با تلاش‌ی برای شناسایی نخبگان و جوان‌سازی ساختار مدیریتی کشور، به‌وضوح نیازمند تعریف دقیق شاخص‌های شایستگی است. به‌این‌ترتیب اگرچه شناسایی نخبگان می‌تواند به افزایش کارآمدی و بهره‌وری در ساختار حکمرانی منجر شود، اما بدون معیارهای شفاف و قابل‌ارزیایی برای شایستگی‌ها این مسیر ممکن است به شکست منجر شود. درواقع شایستگی مدیران شایسته باید نه‌تنها در مهارت‌های فنی و مدیریتی، بلکه در زمینه‌های اخلاقی، ارزشی و شناخت عمیق از فرایند‌های سیاسی و حکمرانی نیز تعریف شود. بدین ترتیب ارتباط بین فرایند شناسایی نخبگان و تربیت آنها و شاخص‌های شایستگی مورد انتظار پیوندی ضروری است که باید به‌دقت طراحی و اجرا شود، لذا بدون توجه به این شاخص‌ها، حتی اگر نخبگان شناسایی و وارد سیستم شوند، ممکن است در عمل نتوانند به شکلی مؤثر در پیشبرد اهداف ملی نقش آفرینی کنند. درنتیجه تربیت نیروها و به سرانجام رساندن مأموریت ویژه آقای مخبر به‌عنوان مسیری مستقل، تنها زمانی به موفقیت خواهد رسید که با یک مدل جامع شایستگی همراه باشد تا بتوانند توانایی‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های کلیدی موردنیاز برای مدیران در سطوح مختلف سیاسی و حکمرانی را به‌دقت تعریف و ارزیایی کنند.

براین‌اساس «مدل شایستگی‌های مدیران سیاسی: PECCI»که حاصل انجام پژوهشی متمرکز در این حوزه بوده و به همت جمعی از پژوهشگران اندیشکده حکمرانی شریف و حمایت مرکزریسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری تهیه شده‌است، می‌تواند تسهیل‌کننده و ارتقادهنده کیفیت کارویژه آقای مخبر و تیم ایشان باشد. مدل‌مذکور با بررسی و مطالعه ویژگی‌های موردنیاز مدیران سیاسی، دسته‌بندی هفت‌گانه‌جامعی را در خصوص این ویژگی‌ها، مؤلفه‌های شناسایی لزوم ارزیایی آنها ارائه کرده‌است و می‌تواند در روند شناسایی و تربیت مدیران سیاسی متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران مؤثر افتد.

سخن پایانی

باید تأکید کرد مأموریت ویژه‌ای که به آقای مخبر محول شده، هرچند فرصتی بی‌نظیر برای شناسایی نیروهای مستعد کشور، اصلاح نظام مدیریت و منابع انسانی، حرفه‌ای‌تر کردن امر سیاست و توسعه سیاسی به حساب می‌آید باید

به چالش‌ها و ابهامات موجود در آن توجه ویژه‌ای داشت، لذا برای نیل به موفقیت در این مسیر ضروری است ابهامات و نکات کلیدی موردتوجه قرار گیرند.

برخی از این ابهامات و نکات کلیدی به‌قرار زیر است:

۱- **تعیین لایه اثربخشی جوانان شناسایی‌شده**: یکی از چالش‌های اساسی در این فرایند، مشخص کردن لایه مدیریتی است که این جوانان باید در آن نقش آفرینی کنند. آیا آنان به لایه مدیریت سیاسی، مدیریت حاکمیتی یا مدیریت اداری – حرفه‌ای خواهند پیوست؟ هریک از این لایه‌ها ویژگی‌ها و الزامات خاص خود را دارد و دستیار رهبری در این امر باید برنامه‌ریزی دقیقی جهت تعیین مرزبندی میان این لایه‌ها و ویژگی‌های موردنیاز آنها داشته باشد. به‌علاوه همان‌طور که در متن نیز به آن اشاره شد، با توجه به سابقه حضور محمد مخبر در لایه مدیریت حاکمیتی و سیاسی و وجود سازوکارهای مشخص تری برای تربیت نیرو در بخش اداری – حرفه‌ای، بهتر است تمرکز اصلی ایشان بر تربیت نیرو در لایه مدیریت سیاسی و در مرتبه بعدی مدیریت حاکمیتی معطوف شود.

۲- **سازوکارهای شناسایی و به‌کارگیری**: مشخص کردن سازوکار دقیق و مؤثر برای شناسایی و به‌کارگیری این نیروهای جوان امری حیاتی است. فقدان ساختار نهادی منسجم می‌تواند به سردرگمی و عدم کارایی در این فرایند منجر شود. در این زمینه نیاز به مطالعه و بررسی سازوکارهای استعدادیابی و جذب مشابه آنچه در نظام‌های سیاسی در دیگر کشورها معمول است و کسب شناخت فعالانه از فرایند‌های مرسوم در این حوزه احساس می‌شود، لذا باید به‌طورجدی به بررسی و تدوین این سازوکارها پرداخته شود. به‌علاوه مرور و آسیب‌شناسی از این مسئله که چرانهاده‌ها و مراکز علمی تاکنون نتوانسته‌اند در اصلاح نظام مدیریتی کشور مؤثر واقع شوند، در بهبود سازوکارهایی که قرار است در این راستا به‌کار گرفته شوند، حتماً کمک‌کننده خواهد بود.

۳- **برنامه‌ریزی برای جبران بی‌تجربگی**: جوانان معمولاً با بی‌تجربگی و ششور جوانی وارد عرصه مدیریت می‌شوند، بنابراین طراحی برنامه‌هایی ضروری است که به ارتقای توانمندی‌های این افراد و کاهش خطرات ناشی از بی‌تجربگی آنها کمک کند. این برنامه‌ها باید شامل آموزش‌های مستمر و راهکارهای عملی برای مواجهه با چالش‌های مدیریتی باشد. در این راستا ایجاد تعادل و تعامل مثبت میان جوانان شناسایی‌شده با مدیران باتجربه در کشور می‌تواند درکنار انتقال تجارب و دانش به این مدیران جوان، امکان کارآمدی بیشتر را در آنها ارتقا دهد.

۴- **تدوین معیارها و شاخص‌های شایستگی**: در شرایطی که معیارها و شاخص‌های شایستگی مدیران در سطوح مختلف نظام حکمرانی به‌وضوح مشخص نیست، شناسایی و تربیت نیروهای مناسب با کمترین میزان خطا به‌سختی میسر خواهد بود، لذا به‌کارگیری شاخص‌های مشخص شایستگی و تدوین یک سیستم ارزیایی عملکرد مدیران در لایه‌های مختلف، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

در نهایت باید گفت اگرچه مأموریت آقای مخبر برای شناسایی و به‌کارگیری نخبگان سیاسی می‌تواند در کوتاه‌مدت به رفع برخی خلأهای مدیریتی و تقویت کارآمدی منجر شود، اما برای ایجاد نانیجی پایدارتر لازم است این فرایند از حالت موقتی و متمرکز خارج و به سازوکار نهادی و بومی‌شده تبدیل شود. چنین سازوکاری باید به شکلی طراحی شود که ضمن بهره‌گیری از نخبگان، فضای رقابتی و شفافیت بیشتری را در فرایند تربیت نیروهای سیاسی فراهم کند. این نوع حکمرانی نهادینه‌شده می‌تواند الگویی مشابه به حکمرانی حزبی ارائه دهد که در آن، جریان‌های سیاسی مختلف که به قواعد بازی سیاسی احترام می‌گذارند، فرصت مشارکت و نقش آفرینی مؤثر داشته باشند. در این راستا با تضعیف انحصارگرایی و اجازه‌دادن به جریان‌های متنوع سیاسی برای ایفای نقش در تربیت و شناسایی نخبگان می‌توان از تجربیات و ظرفیت‌های مختلف برای تقویت مدیریت سیاسی استفاده کرد. این مدل نهادی ضمن کاهش خطه‌پذیری‌های ناشی از تک‌صدایی و تمرکز بیش از حد قدرت می‌تواند به انسجام و پایداری بیشتری در سطوح مختلف مدیریتی و حکمرانی در کشور بینجامد. همچنین با به‌رسمیت شناختن تنوع سیاسی در چهارچوب ارزش‌های نظام و جلوگیری از ورود نیروهای برهم‌زننده قواعد سیاسی، فضای سیاسی سالم‌تر و پویاتری ایجاد می‌شود که در آن همه گروه‌های سازنده بتوانند به شکل مناسبی نقش آفرینی کنند و به بهبود مستمر نظام یاری رسانند.

محورپکن – مسکو و تکرار ناپذیری تاکتیک‌های جنگ سرد

و روسیه بیشتر به دلایل عملی و مشترکات ژئوپلیتیکی به هم وابسته‌اند. اتحاد چین و شوروی که با پیمان دوستی ۳۰ساله در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، درنهایت تنها یک دهه دوام آورد. این اتحاد در سال ۱۹۶۱ با محکومیت کمونیسم شوروی از سوی چین و بروز جنگ مرزی در سال ۱۹۶۹ پایان یافت.

در سال ۱۹۷۱، چین مسیر خود را تغییر داد و به ایالات متحده نزدیک شد. اما امروز چین و روسیه به خوبی از خطرات شکاف‌های مشابه آگاهند و به نظر نمی‌رسد که غرب بتواند به سادگی از تاریخ به‌عنوان ابزاری برای تضعیف این اتحاد استفاده کند. در تحلیل روابط پیچیده پکن و مسکو، برخلاف دوران جنگ سرد که ایدئولوژی‌های متضاد، رهبری جهان کمونیسم و اختلافات ژئوپلیتیکی نقشی محوری در فاصله گرفتن دو کشور داشتند، امروز تعاملات میان دو کشور دیگر در چهارچوب ایدئولوژیک تعریف نمی‌شود. اینکه پوتین در ماه مارس گذشته اظهار داشت روابط چین و روسیه در بهترین حالت خود است، یکی اغراق سیاسی ساده نبود. روابط فعلی این دو قدرت نه‌تنها به سطح بسیار بالاتری از تعامل رسیده، بلکه در بسیاری از جنبه‌ها محکم‌تر از دوران اتحاد چین و شوروی است.

یکی از تفاوت‌های کلیدی امروز با گذشته این است که روسیه به خوبی آگاه است که چین در آینده قابل پیش‌بینی بیشتر روی رقابت دریایی خود با ایالات متحده متمرکز خواهد بود تا اینکه بخواهد دیگر تنش‌های ژئوپلیتیکی با همسایه زمینی اش باشد. همچنین روسیه از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی چین محسوب می‌شود، به‌ویژه در زمینه نفت خام و گاز طبیعی. چین نیز از طرف دیگر، به یکی از بزرگ‌ترین منابع فناوری و برای روسیه تبدیل شده است. در طول دهه گذشته، همکاری‌های این دو کشور در حوزه‌های متعددی نظیر ناوبری ماهواره‌ای، انرژی هسته‌ای و فضای بین‌المللی به‌شدت تقویت شده است. نمونه‌های بارز این همکاری، قراردادهای چند میلیارد دلاری در حوزه نفت و گاز، پروژه‌های مشترک فضایی و توسعه زیرساخت‌های فن‌اوارانه است. این همکاری‌های گسترده، همزمان با تلاش‌های دو کشور برای دور زدن تحریم‌های غرب، مخصوصاً از طریق روش‌های مبادله‌های کالا و راهکارهای نوین اقتصادی، تداوم داشته و حتی در شرایط تحریم‌ها نیز عمق بیشتری یافته است.

روسیه بیشتر به دلایل عملی و مشترکات ژئوپلیتیکی به هم وابسته‌اند. اتحاد چین و شوروی که با پیمان دوستی ۳۰ساله در دهه ۱۹۵۰ آغاز شد، درنهایت تنها یک دهه دوام آورد. این اتحاد در سال ۱۹۶۱ با محکومیت کمونیسم شوروی از سوی چین و بروز جنگ مرزی در سال ۱۹۶۹ پایان یافت. در سال ۱۹۷۱، چین مسیر خود را تغییر داد و به ایالات متحده نزدیک شد. اما امروز چین و روسیه به خوبی از خطرات شکاف‌های مشابه آگاهند و به نظر نمی‌رسد که غرب بتواند به سادگی از تاریخ به‌عنوان ابزاری برای تضعیف این اتحاد استفاده کند.

در تحلیل روابط پیچیده پکن و مسکو، برخلاف دوران جنگ سرد که ایدئولوژی‌های متضاد، رهبری جهان کمونیسم و اختلافات ژئوپلیتیکی نقشی محوری در فاصله گرفتن دو کشور داشتند، امروز تعاملات میان دو کشور دیگر در چهارچوب ایدئولوژیک تعریف نمی‌شود. اینکه پوتین در ماه مارس گذشته اظهار داشت روابط چین و روسیه در بهترین حالت خود است، یکی اغراق سیاسی ساده نبود. روابط فعلی این دو قدرت نه‌تنها به سطح بسیار بالاتری از تعامل رسیده، بلکه در بسیاری از جنبه‌ها محکم‌تر از دوران اتحاد چین و شوروی است.

یکی از تفاوت‌های کلیدی امروز با گذشته این است که روسیه به خوبی آگاه است که چین در آینده قابل پیش‌بینی بیشتر روی رقابت دریایی خود با ایالات متحده متمرکز خواهد بود تا اینکه بخواهد دیگر تنش‌های ژئوپلیتیکی با همسایه زمینی اش باشد. همچنین روسیه از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی چین محسوب می‌شود، به‌ویژه در زمینه نفت خام و گاز طبیعی. چین نیز از طرف دیگر، به یکی از بزرگ‌ترین منابع فناوری و برای روسیه تبدیل شده است. در طول دهه گذشته، همکاری‌های این دو کشور در حوزه‌های متعددی نظیر ناوبری ماهواره‌ای، انرژی هسته‌ای و فضای بین‌المللی به‌شدت تقویت شده است. نمونه‌های بارز این همکاری، قراردادهای چند میلیارد دلاری در حوزه نفت و گاز، پروژه‌های مشترک فضایی و توسعه زیرساخت‌های فن‌اوارانه است. این همکاری‌های گسترده، همزمان با تلاش‌های دو کشور برای دور زدن تحریم‌های غرب، مخصوصاً از طریق روش‌های مبادله‌های کالا و راهکارهای نوین اقتصادی، تداوم داشته و حتی در شرایط تحریم‌ها نیز عمق بیشتری یافته است.

اگرچه در دوران جنگ سرد، اختلافات ایدئولوژیک میان چین و شوروی درنهایت به جدایی آنها کمک کرد، اما امروز ایدئولوژی به حاشیه‌رفته است. سیاست‌های واشنگتن علیه هر دو کشور چین و روسیه، نوعی رقابت جدید میان قدرت‌های بزرگ را ایجاد کرده است. مهم‌ترین وجه اشتراک پکن و مسکو این است که هر دو خود را برای رویارویی با نفوذ ایالات متحده آماده می‌کنند. اروپا، مانند دوران جنگ سرد، وابستگی عمیقی به رهبری واشنگتن دارد. با افزایش شکاف‌ها میان پکن و واشنگتن، اروپا نیز به پیروی از سیاست‌های آمریکا پرداخته و این امر چین را وادار کرده تا به دنبال ایجاد بلوک‌های مستقل از ایالات متحده باشد.

اما برخلاف دوران جنگ سرد، بلوک‌های امروز دیگر بر مبنای ایدئولوژی‌های کمونیستی شکل نمی‌گیرند. چین به دنبال ایجاد روابطی است که بر مبنای منافع مشترک و ارزش‌هایی چون «حاکمیت ملی» و «احترام متقابل» باشد. شاید بتوان این رویکرد را به نوعی با ایده‌های کنفوسیوسی مقایسه کرد که به تأکید بر نظم، ثبات و تعادل در روابط دارد. این نوع وابسته به چین امکان می‌دهد که بدون ورود به ائتلاف‌های صرفاً ایدئولوژیک، یک محور قدرت مستقل از غرب را ایجاد کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده روابط چین و روسیه در حال حاضر، نزدیکی شخصی میان ولادیمیر پوتین و شی جن پینگ است. این دو رهبر بارها به‌طور علنی یک‌دیگر را «دوست نزدیک» خطاب کرده‌اند و از زمان به قدرت رسیدن شی در سال ۲۰۱۲، بیش از ۴۰ بار با یک‌دیگر دیدار کرده‌اند. برخلاف روابط سرد میان رهبران شوروی و مانو در دهه‌های گذشته، امروز پوتین و شی به‌طور مستمر بر همکاری‌های خود تأکید می‌کنند. این ارتباط نزدیک درنتها نشان از اعتماد میان رهبران دارد، بلکه سیاست‌های این دو کشور را به سوی هم‌گرایی بیشتر سوق داده است.

البته روابط چین و روسیه تنها به سطح رهبران محدود نمی‌شود. همکاری‌های نهادینه‌شده در سطوح مختلف دولتی و غیر دولتی نیز به گسترش این روابط کمک کرده است. از همکاری‌های نظامی تا مشورت‌های امنیتی استراتژیک، از پروژه‌های علمی و فن‌اوارانه تا تبادل دانشجو و گردشگری، روابط چین و روسیه به شکلی گسترده و متنوع توسعه یافته است. برای مثال، بیش از ۱۰۰ مانور نظامی مشترک در حوزه‌های زمینی، دریایی، هوایی و سایبری از سال

فرهمنجنگان

راهبرد

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

دوشنبه ۳ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE